

بررسی زمینه‌های جامعه شناختی شکل‌گیری و قدرت‌یابی گروه سلفی - تکفیری داعش در عراق (۲۰۱۴-۲۰۰۳)

حسین بهمنش^۱

چکیده

روند شکل‌گیری و سپس قدرت‌یابی داعش در عراق و سوریه دارای عوامل متعددی است که قطعاً عوامل اجتماعی از مهم‌ترین آن است. اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ م توسط ایالات متحده آمریکا و تبعات ناشی از آن بر جامعه و دولت عراق سرآغاز بخش مهمی از تحولات منتهی به تشکیل داعش محسوب می‌گردد. سؤال مقاله این است که؛ از منظر جامعه شناختی چگونه می‌توان شکل‌گیری و قدرت‌یابی جریان سلفی - تکفیری در عراق بخصوص داعش را تبیین نمود؟ جهت پاسخگویی به این پرسش از چارچوب ارائه شده در نظریه «رفتار جمعی نیل اسملسر» که مشتمل بر فرایندی شش متغیره است، بهره گرفته می‌شود. بر این اساس با در نظر گرفتن متغیر «فشار ساختاری» فرضیه این مقاله در پاسخ به پرسش اصلی بدین صورت است که؛ ابهامات، محرومیت‌ها و سوءظن‌های شکل گرفته میان اعراب اهل سنت در پی اشغال عراق به عنوان مهمترین مصداق فشار ساختاری، از جدی‌ترین عوامل جامعه شناختی دخیل در شکل و قدرت‌گیری داعش محسوب می‌شود. نگارنده پس از بررسی دقیق فشار ساختاری ایجاد شده پس از اشغال عراق بر اعراب اهل سنت و احصاء جدول ترکیبی سطوح جزئیت‌کنش جمعی اعراب اهل سنت در عراق قبل از اشغال و کانون‌های فشار ساختاری پس از اشغال، با استفاده از روش جمع‌آوری اسنادی و منابع کتابخانه‌ای به تبیین (چرایی) و سپس تحلیل ابعاد جامعه شناختی شکل و قدرت‌گیری داعش می‌پردازد.

واژگان کلیدی: عراق، سلفی - تکفیری‌گری، عرب‌های اهل سنت، کنش جمعی، رفتار جمعی

مقدمه

حمله آمریکا به عراق ۲۰۰۳ م و تبعات ناشی از اشغال آن، آغازگر ششمین مرحله جهش سلفی‌گری معاصر به میزبانی عراق و شکل‌گیری گروهی مثل داعش محسوب می‌شود. لشگرکشی عظیم ایالات متحده به منطقه در ابتدای قرن ۲۱ م موجب آثار عمیق و گسترده‌ای در ابعاد مختلف گردید. پس از حملات مشکوک ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م، ایالات متحده، افغانستان را به بهانه بن‌لادن اشغال نمود و سپس برای صدام ضرب‌العجل مشخص نمودند. سرانجام ایالات متحده با همراهی انگلیس در تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۹ بدون موافقت شورای امنیت سازمان ملل متحد و به صورت یک جانبه به عراق حمله نمود و در تاریخ ۱۳۸۲/۱/۱۹ بغداد سقوط کرد. اشغال عراق و سقوط صدام نه تنها موجب فعال شدن متغیرهای جدید در این کشور شد بلکه همزمان با جهانی شدن به تجلی مؤلفه‌ها و زمینه‌های هویتی و دینی در منطقه انجامید به طوری که به جرأت می‌توان گفت جهت‌گیری‌های ملی و استراتژیک دولت‌های منطقه هرچه بیشتر به علایق هویتی آنان منطبق گردید. در واقع عراق پس از صدام واجد عناصر و تحولاتی است که تغییر در ساختار قدرت و هویت آن باعث دگرگونی‌هایی در ژئوپلیتیک منطقه و رویکردهای بازیگران خاورمیانه‌ای شده است (اسدی، ۱۳۸۷، ۵).

بر این اساس عراق در کانون این تغییرات قرار گرفت و برآیند تنش‌های مختلف داخلی، پیشینه تاریخی و منافع دیگران در عراق شکل‌گیری نسل ششم سلفی‌گری معاصر بود. در این کشور گروه‌های موسوم به سلفی - تکفیری شکل گرفت که بعداً تبدیل به دولت همراه با سرزمین، تشکیلات و حاکمیت گردید؛ "دولت اسلامی عراق و شام" یا "داعش" که از جمله پرچالش‌ترین موضوعات در حوزه علوم انسانی و علوم سیاسی طی سال‌های اخیر بوده است. برخی این گروه را ثروتمندترین سازمان تروریستی در جهان توصیف کرده‌اند که از سرمایه‌ای بیش از دو میلیارد دلار برخوردار است (chulov, 2014). تحلیلگران دیگر، گروه داعش را خطرناک‌ترین سازمان تروریستی جهان نامیده‌اند (Ohm, 2014). گروهی دیگر، داعش را بزرگترین سازمان تروریستی جهان لقب داده‌اند به این علت که این گروه مساحتی را به اندازه بریتانیا (Johnson, 2014) با چهار کشور امارات متحده عربی، بحرین، کویت و قطر در کنترل خود دارد (به نقل از نجات، ۱۳۹۴: ۱۹).

اگرچه در ابتدای تشکیل داعش، بحران عراق و سوریه در مورد ماهیت، هدف‌گیری و

پشتیبانان این تشکیلات تشکیک می‌شد اما با گذشت زمان و اذعان مقامات رده اول ایالات متحده مبنی بر عامل بودن این کشور در شکل‌گیری داعش و تقویت آن، ابهام چندانی در این زمینه وجود ندارد. اما باید در نظر داشت که شکل و قدرت‌گیری داعش دارای ابعاد قدرتمند اجتماعی بوده است که مورد غفلت واقع شده است. از نظر جامعه‌شناختی چگونه می‌توان شکل‌گیری آن را تبیین نمود؟ در واقع باید مؤلفه‌های بومی، جمعیتی، جامعه‌ساختی، تاریخی، ساختاری و عوامل بیرونی را در قالب طرحی واحد در نظر گرفت و طی سازوکاری علمی به تبیین روند شکل و قدرت‌گیری جریان‌های سلفی - تکفیری در عراق پرداخت. در این تحقیق با بهره‌گیری از نظریه جامعه‌شناسی ساختی - کارکردی نیل اسملسر به تبیین این مسئله خواهیم پرداخت.

۱. چارچوب نظری؛ نظریه رفتار جمعی نیل اسملسر

نحوه بررسی جریان‌ها و گروه‌های مؤثر اجتماعی همواره از دغدغه پژوهشگران اجتماعی و سیاسی بوده است. به نظر می‌رسد توجه این موضوع از زمینه‌های اصلی علوم اجتماعی و جزو منطق شکل‌گیری جامعه‌شناسی سیاسی بوده است. نگاه از زاویه اجتماع به کنش‌های سیاسی از جمله خلأهای پژوهشی پیرامون موضوعات و فرایندهای سیاسی و اجتماعی منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود. جریان سلفی - تکفیری همواره جهت‌کنش‌گری و کسب قدرت سیاسی به اثرسازی در جامعه و تعامل با مردم و یارگیری اجتماعی پرداخته است. بنابراین نقطه قوت آنها نیز همین جریان اجتماعی متمایل و هم‌جهت محسوب می‌شود. جریان سلفی - تکفیری در عراق اگرچه در دنباله طیف منطقه‌ای - تاریخی مورد تحلیل قرار می‌گیرد، اما بدون تحرک اجتماعی و لحاظ نمودن مدل‌های جریان‌سازی اجتماعی توان دولت‌سازی را نداشت. محقق در این اثر در نظر دارد از زوایای پایین به بالا یعنی نقطه نظر اجتماعی به موضوع بپردازد. در این راستا از نظریه رفتار جمعی نیل اسملسر که نظریه‌ای ساختاری کارکردی است، بهره خواهیم گرفت.

اسملسر در مورد مفاهیم رفتارهای جمعی و جنبش‌های اجتماعی معتقد است: «معمولاً جماعت‌ها دمدمی مزاج، غیر عقل‌گرا و خودجوش و رفتارشان پیش‌بینی نشده یا عجیب و غریب توصیف می‌شوند.» (اسملسر، ۱۳۸۱: ۳) وی دو مفهوم کنش اجتماعی و رفتار جمعی را متمایز می‌داند؛ کنش اجتماعی آن چیزی است که فردی یا افرادی در اجتماع به صورت منطقی و

کارکردی به کنش‌گری می‌پردازند بنابراین قابل تعیین و پیش‌بینی است در حالی که رفتار جمعی در هنگامه عدم تعادل و تنظیم مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و عقدیتی رخ می‌دهد. در واقع «رفتار جمعی رفتاری است چنان شکل یافته که پاسخگوی موقعیت‌های تعریف نشده یا ساخت نیافته باشند» (اسملسر، ۱۳۸۱: ۱۳). بنابراین: «رفتار جمعی یک بسیج نهادینه نشده است برای کنش در جهت تعدیل یک یا چند نوع فشار بر پایه بازسازی تعمیم یافته جزئی از کنش» (اسملسر، ۱۳۸۱: ۱۰۵). اسملسر اجزای اصلی کنش اجتماعی را اینگونه می‌داند: الف: ارزش‌ها یا منابع عام مشروعیت. ب: هنجارها یا ملاک‌های تنظیمی برای تعامل ج: بسیج انگیزه فردی برای کنش سازمان یافته در قالب نقش‌ها و اجتماعات د: امکانات موقعیتی یا اطلاعات، مهارت‌ها، ابزار، و موانع در نیل به اهداف انتزاعی

جدول ۱-۱: اجزاء چهارگانه کنش اجتماعی

تعریف رویکرد فردی به جزء		
فعالیت اقتصادی آزاد	تعهد، اعتقاد به، ایمان به	ارزش‌ها
قرارداد، مالکیت و...	همنوایی	هنجارها
شرکت تجاری	مسئولیت، وفاداری	نقش یا سازمان
اعتماد به مهارت‌ها، معلومات، فراهم بودن سرمایه و...	اطمینان، اعتماد	امکانات موقعیتی

تحت شرایط نظریه اسملسر هر کدام از اجزای اصلی کنش جمعی دارای هفت سطح جزئیت هستند که مراتب هر کدام را از سطوح انضمامی تا انتزاعی توضیح می‌دهد. بنابراین اجزای کنش فرد یا گروه به کنش‌گری، تنظیم، مقایسه رفتار، جایگاه و موقعیت خود با اجتماع و حکومت می‌پردازد. تحت الشعاع قرار گرفتن هر کدام منجر به شکل‌گیری نوع خاصی از رفتار جمعی می‌انجامد. بنابراین هر نوع از رفتار جمعی معطوف به یکی از اجزای متمایز کنش اجتماعی است. با در نظر گرفتن شروط ساخت نظریه مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رفتار جمعی این‌گونه دانسته می‌شود: «شرایط مساعد ساختاری، فشار ساختاری، عقاید تعمیم یافته، عوامل تسریع‌کننده، بسیج مشارکت‌کنندگان برای کنش، عملکرد کنترل اجتماعی» که در این مقاله به عامل فشار ساختاری پرداخته می‌شود. از آنجایی که شرایط مساعد ساختاری و فشار ساختاری در ارتباط مؤثر با یکدیگر هستند، تعریف مربوط بدان نیز آورده می‌شود.

در مورد شرایط مساعد ساختاری این سؤال مطرح می‌شود که «آیا پاره‌ای ویژگی‌های ساختاری، بیش از سایر ویژگی‌ها بروز رفتار جمعی را مجاز شمرده یا تشویق می‌کنند؟» در پاسخ باید گفت «شرایط مساعد ساختاری در بالاترین مرتبه خود می‌تواند بروز نوع خاصی از رفتار جمعی را مجاز نماید» (اسملسر، ۱۳۸۱: ۲۱). شرایط مساعد (بخشی از طرح ارزش افزوده) عمومی‌ترین شرط لازم برای طغیان جمعی و اجزای بنیادی انواع اصلی شرایط مساعد را نشان می‌دهد (اسملسر، ۱۳۸۱: ۲۶۰). در بررسی ویژگی‌های منجر شونده‌ی ما می‌پرسیم: آیا تعریف از موقعیت با مفاهیم ارزشی بیان شده‌اند یا ارزش‌هایی هستند که از دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی گرفته شده‌اند؟ امکانات بیان نارضایتی در نظام چیست؟ آیا گروه‌های ناراضی می‌توانند نارضایتی خود را با هم در میان بگذارند و ارتباط برقرار کنند؟ (اسملسر، ۱۳۸۱: ۲۵۵) شرایط مساعد ساختاری برای بروز نوع خاصی از رفتار جمعی ممکن است سالیان سال در جامعه‌ای وجود داشته باشد اما به دلیل ظاهر نشدن سایر عوامل، بروز نکند. «به عنوان مثال بازار پولی گرچه دارای ساختاری است که می‌تواند به هراس منجر شود لکن ممکن است دوره‌های طولانی ایفای نقش نماید بدون آنکه بحرانی را بوجود آورد» (اسملسر، ۱۳۸۱: ۲۱).

مؤلفه‌های فشار ساختاری به صورت مختصر مبتنی بر موارد ابهامات، محرومیت‌ها، تضادها و عدم توافق‌ها در جامعه است. اسملسر از میان همه نام‌های دیگر از جمله یکپارچگی ضعیف، عدم تعادل، عدم یکپارچگی، عدم توازن، سوءسازمان، عدم انسجام، تضاد، محرومیت و آنومی واژه فشار ساختاری را انتخاب کرده است. وی معتقد است که «اگر قرار باشد موردی از رفتار جمعی به وقوع بپیوندد بایستی صورتی از فشار وجود داشته باشد. به علاوه هرچه فشار جدی‌تر باشد، احتمال آنکه یک چنین موردی ظهور یابد بیشتر می‌شود. مع‌الوصف بین نوع به خصوصی از فشار و نوع به خصوصی از فقره جمعی، هیچگونه رابطه علی مستقیمی وجود ندارد» (اسملسر، ۱۳۸۱: ۷۳). بر این اساس، فشار راجع به ضعیف شدن روابط میان بخش‌های یک نظام و متعاقب آن کارکرد منفی نظام است. در فرایند ارزش افزوده، فشار شرط لازم هر طغیان جمعی است ولی به هر حال در محدوده شرایط مساعد ساختاری قبل از خود تعیین کننده است (اسملسر، ۱۳۸۱: ۲۶۰). فشار شرط لازم برای بسیج به عنوان عامل جنبش معطوف به ارزش است، چه از مدت‌ها قبل وجود داشته و یا در همان زمان پدیدار شده باشد (اسملسر، ۱۳۸۱: ۲۵۷). مردم تحت فشار به سوی بازسازی نظم اجتماعی تحت عنوان یک عقیده تعمیم

یافته بسیج می‌شوند (اسلمسر، ۱۳۸۱: ۲۶۱). آنچه در مورد جریان سلفی - تکفیری در عراق با توجه به نظریه صدق می‌کند، جنبش معطوف به ارزش است که در پس بازآفرینی سازه‌های عقیده معطوف به ارزش است و مؤلفه‌های مربوط به جنبش معطوف به ارزش کاملاً با این جریان در هماهنگی است به نحوی که این جریان نیز مایل است تمام اجزاء کنش جمعی تا سطح ارزش‌ها را در جامعه باز تعریف نموده و بازسازی نماید. بنابراین ما به گروه داعش به عنوان یک گروه معطوف به ارزش خواهیم نگرست تا به تحلیل شرایط جامعه شناختی شکل‌گیری آن بپردازیم.

۲- بررسی فشار ساختاری در عراق؛ به عنوان شرط لازم شکل‌گیری جریان سلفی - تکفیری

۲-۱- اجزاء کنش جمعی عرب‌های اهل سنت در آستانه اشغال عراق

آنچه که در مورد جامعه عراقی صدق می‌کند، کشیده شدن اختلاف‌ها و رقابت‌ها تا مؤلفه ارزش‌ها در جدول کنش جمعی است و همگی نشان از ارزش محور شدن تضادهای نژادی، قومی، مذهبی، حاکمیتی و جغرافیایی در عراق است. به عبارتی دیگر شرایط ساختاری حاکم بر قواعد کنش جمعی در عراق بخصوص پس از اعلام استقلال آن چنان تنظیم شده است که تقریباً تمامی کنش‌های جمعی قابل ملاحظه با دست‌آویز قرار دادن حوزه‌های ارزشی قابل انجام بوده است؛ هنگامی که چنین موقعیتی فراهم باشد گزینه‌های بعدی یعنی مناقشه و انتقاد نیز در مقام ارزشی بیان خواهند شد. بر این اساس شرایط برای رفتار جمعی معطوف به ارزش مهیا خواهد بود بنابراین هرگونه فشاری که در این شرایط رخ دهد تبدیل به بسته‌های ارزشی می‌شود و با همان زبان نیز قابل اعتراض است. شرایط ساختاری عراق جهت شکل‌گیری رفتار جمعی معطوف به ارزش مهیا بوده است و این بدین معنا است که این جامعه آماده پذیرش پاسخ‌های ارزش محور در راستای حل مشکلات خویش و یا حداقل انتقام‌گیری از آنان بود. با فروپاشی صدام، فشار ساختاری او از بین رفته و فشاری جدید به همراه اشغال‌گران وارد شد. بر اساس آنچه که تحت عنوان سطوح هفت‌گانه اجزاء کنش جمعی بیان می‌شود، در ادامه با توجه به مطالعه وضعیت جامعه عراقی می‌توان جدول سطوح جزئیات کنش جمعی اعراب اهل سنت در آستانه اشغال عراق ۲۰۰۳ م را ترسیم نمود. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که چون نظریه رفتار جمعی در مرحله فشار و ترتیبات بعدی شکل‌گیری رفتار جمعی، آن قشری را که تحت فشار قرار گرفته

است، بررسی می‌کند، در این مقطع نیز جدول سطوح هفت‌گانه با تاکید بر اعراب اهل سنت که پس از اشغال کنش‌گر اصلی معارضه و مناقشه هستند را، مدنظر قرار می‌دهد. بر اساس این جدول در هر سطح عمودی اجزاء چهارگانه کنش جمعی در هفت مقطع به هم مربوط در توالی ارزش افزوده بر اساس نظریه اسلمسر در مورد جامعه عراق به نگارش در آمده است. اهمیت مشخص نمودن این مؤلفه‌ها در آن است که مبنای کنش جمعی غالب در عراق در آستانه اشغال مشخص می‌گردد، سپس در متغیر فشار ساختاری می‌توان فشار وارده بر هر کدام را مورد بررسی قرار داد. جدول ۲-۱ مؤلفه‌های بدست آمده ناشی از بررسی جامعه عراق و کنش عرب‌های اهل سنت را نشان می‌دهد.

جدول ۲-۱ سطوح جزئیت کنش جمعی اعراب اهل سنت در آستانه اشغال عراق

سطح	ارزش‌ها	هنجارها	بسیج انگیزه برای کنش سازمان یافته	امکانات موقعیتی
۱ در نظریه در عراق	ارزش‌ها در سطح جامعه تعهد به اسلام با قرائت سنی و تعهد به تفاخر عربی عراقی	همنوابی کلی همنوابی کلی با اهم فعالیت‌های اعراب اهل سنت	انگیزه اجتماعی شده شکل‌گیری شخصیت پایه عراقی	پیش‌فهم‌هایی در زمینه علیت دیدگاه محدود نگر و طایفه گرایانه
۲ در نظریه در عراق	مشروعیت یافتن ارزشها برای بخش‌های نهادی تعهد به دولت عربی سنی	خاص شدن هنجارها بر اساس بخش‌های نهادی قوانین، هنجارهای مرتبط با دولت عربی سنی	استعداد کلی ایفای نقش خشونت ورزی، جاه طلبی، تملق‌گویی، طایفه و قبیله پرستی	تدوین معلومات اخذ اصول رشد و ترقی در دولت و ارتش عراق
۳ در نظریه در عراق	مشروعیت یافتن پاداش‌ها تعهد به نظام رانت دولت قومی	خاص شدن هنجارها با توجه ویژه به انواع نقش‌ها و سازمان‌ها قوانین و دستورالعمل‌های کلان مرتبط با استخدام، ترقی و توزیع پاداش‌ها در ارتش و دولت بعثی	استعداد آموخته شده آموزش و تعلیم	تکنولوژی یا خاص شدن معلومات در قالب موقعیت‌ها فوت و فن کارکردن در دولت و ارتش عراق

<p>۴ در نظریه در عراق</p>	<p>مشروعیت یافتن تعهد فردی تعهد به موفقیت شخصی</p>	<p>خاص شدن مقتضیات برای رعایت فردی هنجارها تعریف اصول، چارچوب‌ها و محدودیت‌های کنش فردی در سازمان دولت بعثی و ارتش عراق</p>	<p>انتقال به نقش پذیری بزرگسالانه وارد جهان مردانه عربی شدن در دستگاه حاکمیت</p>	<p>کسب ثروت، قدرت یا وجهه برای فعالیت در آوردن سطح ۳ وابستگی نسبی و سببی به مقامات، انتساب به قبیله‌ای خاص، اثبات وفاداری حزبی</p>
<p>۵ در نظریه در عراق</p>	<p>مشروعیت یافتن ارزشهای رقیب عدم تعهد به ارزش‌های سایر اقوام و طوایف</p>	<p>خاص شدن هنجارهای بخش‌های رقیب نهادی در نظر نگرفتن هنجارهای سایر اقوام و طوایف در حوزه‌های مختلف</p>	<p>اختصاص انگیزه به بخشی از جامعه انتخاب خط وابستگی به دستگاه دولت و ارتش بعثی</p>	<p>اختصاص تکنولوژی مؤثر به بخشی از جامعه قدرت و وجه اجتماعی دادن به اعراب اهل سنت</p>
<p>۶ در نظریه در عراق</p>	<p>مشروعیت یافتن ارزشها برای تحقق اهداف سازمانی تعهد به ایدئولوژی و مرام حزب بعث عراق</p>	<p>خاص شدن قواعد همکاری و هماهنگی در درون سازمان مدیریت و تدبیر امور دفاتر حزب بعث، ادارت دولتی و رده‌های ارتش عراق</p>	<p>اختصاص انگیزه به سازمانی خاص شغلی را در دولت یا ارتش کسب نمودن</p>	<p>اختصاص تکنولوژی مؤثر به نقش‌ها و سازمان‌ها اختصاص امکانات و سرمایه‌گذاری بر حزب بعث و ارتش عراق</p>
<p>۷ در نظریه در عراق</p>	<p>مشروعیت یافتن ارزشها برای تلاش ورزیدن تعهد به عصیبت و توانایی مرد عرب عراقی</p>	<p>خاص شدن برنامه‌ها و طرح‌ها برای تنظیم فعالیت نحوه عملکرد ادارات و نهادهای دولتی و ارتش</p>	<p>اختصاص انگیزه به نقش‌ها و وظایف درون سازمان انجام وظایف شغلی در دولت و ارتش</p>	<p>اختصاص امکانات سازمانی جهت اهداف انضمامی اختصاص امکانات خاص به خویشان، وفاداران</p>

۲-۲ - بررسی عملکرد فشار ساختاری بر ارزش‌های نهادینه شده در جامعه عراقی

پس از فراهم بودن اولین متغیر در فرایند ارزش افزوده آنگاه متغیر دوم یعنی فشار ساختاری اثرگذاری خواهد داشت. باید در نظر داشت که اهمیت فشار در ایجاد زمینه لازم برای مراحل بعدی ضروری است؛ در واقع فشار شرط لازم برای بسیج به عنوان عامل جنبش معطوف به ارزش است، چه از مدت‌ها قبل وجود داشته و یا در همان زمان پدیدار شده باشد. مردم تحت فشار به سوی بازسازی نظم اجتماعی تحت عنوان یک عقیده تعمیم یافته بسیج می‌شوند. بنابراین تبلور یک باور تعمیم یافته نشانگر تلاش افراد تحت فشار برای ارزیابی موقعیت است. به عبارتی آنها این موقعیت را با آفرینش یا جفت و جور کردن یک باور تعمیم یافته توضیح می‌دهند.

در این قسمت باید بدین سؤال پاسخ داد که در پی اشغال عراق توسط آمریکا چه مؤلفه‌های تحت تأثیر قرار گرفت که ما آن‌ها را فشار ساختاری و زیربنای رفتار جمعی در این کشور تحت عنوان جریان‌های سلفی - تکفیری می‌دانیم؟ به عبارتی دیگر با اشغال‌گری ایالات متحده چه نوع از فشار ساختاری در عراق شروع گردید که در پی آن بر میزان، عمق و گستره ابهامات و تناقضات در جهتی خاص افزوده شد؟ نگارنده معتقد است فشار ساختاری در سطوح مختلف کنش جمعی در تمام تاریخ عراق وجود داشته است؛ به طوری که اقوام و طوایف مختلف تحت تأثیر آن قرار داشتند که مشهودترین آن فشار اعمال شده توسط دولت‌های مختلف عراقی تا سطح ارزش‌ها یعنی عالی‌ترین سطح کنش در جامعه بر شیعیان و کردها بود. این فشار ساختاری در دراز مدت موجب پدید آمدن سوءظن‌های گسترده‌ای در میان اقوام عراقی گردید که پایه‌ای برای شرایط مساعد ساختاری بوده است. اما آنچه که دقیقاً به عنوان فشار ساختاری در نظر گرفته می‌شود مبنای تغییری مشهود و شوک برانگیز بر گروه خاصی از جامعه است و سقوط صدام این شوک را بر اعراب اهل سنت عراق و منطقه وارد نمود. به عبارتی دیگر همانگونه که در جدول سطوح جزئیت مؤلفه‌های کنش جمعی جامعه عراقی مشخص شد، این ارزش‌های غالب در هنگامه فشار تحت الشعاع قرار گرفته و ممکن است کاملاً خدشه دار شوند. بنابر این باید ابهامات، محرومیت‌ها، تضادها و عدم توافقی‌های جامعه عراقی به خصوص جامعه عرب‌های اهل سنت پس از سقوط صدام ۲۰۰۳ م را فشار ساختاری در نظر گرفت.

از آنجایی که به طور کلی فشار راجع به ضعیف شدن روابط میان بخش‌های یک نظام و متعاقب آن کارکرد منفی نظام است باید در نظر داشت فشار ساختاری حتی بر اهل سنت و

بخش‌هایی از ارتش، بخصوص پس از جنگ تحمیلی علیه ایران و اشغال کویت توسط صدام نیز رخ داد، اما این موضوع در سطوح انضمامی و عملیاتی ناظر بر بسیج انگیزه و امکانات موقعیتی در تقسیم‌بندی جزئیت سطوح کنش جمعی رخ داد و به سطوح عالی ارزشی و هنجاری تعمیم نیافت. آنچه که قابل اهمیت است و مبنای کار فشار ساختاری در این پژوهش محسوب می‌شود، این است که در پی اشغال عراق و سقوط صدام نه تنها فشار ساختاری پیشین که توسط دولت بعثی بر سایر اقوام و طوایف اعمال می‌شد، بر افتاد بلکه به خودی خود موجب ایجاد فشاری ساختاری جدید تا سطح ارزش‌ها بر جمعیت اهل سنت عراق بخصوص وابستگان و منتفعان از دولت بعثی عراق گردید، که این فشار پایه‌ای جهت گسیل به مرحله عقیده تعمیم یافته که پاسخی به فشار ساختاری است، محسوب می‌شود. بدین معنا که؛ مردم تحت فشار به سوی بازسازی نظم اجتماعی تحت عنوان یک عقیده تعمیم یافته بسیج می‌شوند. تبلور یک باور تعمیم یافته نشانگر تلاش افراد تحت فشار برای ارزیابی موقعیت است. آن‌ها این موقعیت را با آفرینش یا جفت و جور کردن یک باور تعمیم یافته توضیح می‌دهند.

با توجه به این موضوع که نظریه اسملسر به ما می‌گوید که برای هر مورد رفتار جمعی، همیشه به نوعی فشار ساختاری در پس زمینه آن بر می‌خوریم؛ این سؤال مطرح است که به هنگام وجود فشار چه بر سر کنش اجتماعی خواهد آمد؟ اسملسر اینگونه جواب داده است که؛ در پاسخ بایستی گفت که تلاش‌هایی صورت می‌پذیرد تا به اجزاء سطح بالاتر حرکت نموده، آن‌ها را مورد بازسازی قرار داده، و آنگاه اصول جدیدی بار دیگر در سطوح انضمامی‌تر و عملیاتی‌تر کنش اجتماعی به کار گرفته می‌شوند (اسملسر، ۱۳۸۱: ۱۰۴). بر این اساس روند کار ما در این قسمت اینگونه خواهد بود که بررسی نماییم در هر کدام از سطوح جزئیت کنش جمعی در عراق، کانون‌های فشار به چه صورت عمل نموده‌اند. به عبارتی دیگر هنگامی که فشار بر هر مؤلفه از سطوح جزئیت وارد می‌شود آنگاه چه اتفاقی خواهد افتاد؟ در این رابطه نظریه به ما می‌گوید ابتدا باید به منتهی‌الیه سمت چپ جدول یعنی سطوح انضمامی از امکانات نظر افکنیم و با بررسی تک‌تک مؤلفه‌ها، میزان فشار بر آن و تلاش برای تعمیم به سطوح بالا و سپس راست را بررسی نماییم. «فشار در هر سطح از هر جزء نخست در سطوح پایین‌تر و عملیاتی‌تر خود را نشان می‌دهد (اسملسر، ۱۳۸۱: ۷۵). در این رابطه فارغ از منبع فشار، ظهور فشار و انباشت نارضایتی‌ها نخست در سطوح عملیاتی، یعنی سطوح ۵ تا ۷ جدول کنش اجتماعی

شکل می‌یابد. تنها وقتی این نارضایتی گسترش می‌یابد و توجهات به جستجو برای منبع ضعف‌ها و شکست‌ها معطوف می‌شود که سطوح بالاتر اجزاء به فعلیت در می‌آیند» (اسملسر، ۱۳۸۱: ۷۵). در صورتی که جدول سطوح جزئیات کنش جمعی جامعه عراقی در آستانه اشغال بدست آمده در فصل قبل را در نظر بگیریم. آنگاه بر اساس موارد مذکور، چگونگی و نتیجه فشار بر هر کدام از مؤلفه‌ها را می‌توان تحلیل نمود.

از آنجایی که نظریه به ما می‌گوید در مورد بررسی نحوه اثرگذاری فشار باید از مؤلفه آخر یعنی امکانات موقعیتی شروع کرد، نگارنده طی بررسی‌های خود در مورد مؤلفه‌های کنش جمعی جامعه عراقی در آستانه اشغال، به مؤلفه ارزش‌ها رسید. بدین معنا که اثرگذاری فشار سه مؤلفه قبلی را تحت تأثیر قرار داده و جامعه را به ارزش‌ها معطوف ساخته است. بر اساس نظریه اسملسر در صورتی که فشار بر یک جزء اثر نهد و جامعه مخاطب پاسخ خود را در همان جزء و سطح نگیرند به سطوح دیگر می‌نگرند، البته برای هر مورد فشار سطح دقیق عاملیت یا تعمیم که بایستی برای خنثی کردن فشار مورد بازسازی قرار گیرد به دو چیز بستگی دارد: الف: جدیت شرایط اولیه فشار ب: تناسب و تکافو کنندگی امکانات موجود در هر سطح برای پاسخگویی به شرایط فشار (اسملسر، ۱۳۸۱: ۱۰۳). از آنجایی که این بررسی در این مجال نمی‌گند صرفاً به مؤلفه ارزش‌ها خواهیم پرداخت.

در صورتی که فشار را از آخرین سطح یعنی سطح ۷ بررسی نماییم، آنگاه موارد ذیل قابل دست یافتن است:

۷- فشار بر تعهد به ارزش‌های شخصی

در سطح ۷ ارزش‌ها، فشار بر تعهد به ارزش‌های شخصی است. منظور ما از وارد آمدن فشار بر این ارزش‌های شخصی انجام تلاش‌هایی است برای متقاعد کردن افراد متعهد به ارزش‌ها - از راه ترغیب، ارائه نمونه، فشار، با سایر وسایل - به اینکه این ارزش‌ها خطا یا غیر اخلاقی اند (اسملسر، ۱۳۸۱: ۸۹). هرگونه فشار بر ارزش‌های سنتی متضمن جرح و تعدیل در هنجارها، انگیزه و امکانات است (همان: ۹۰). برای نمونه؛ در نظام پیشین، مردان جنگجو به ویژه افسران سنی، به عنوان عراقی‌های راستین معرفی می‌شدند. تصویر عراق به عنوان عنصر مذکر جهان عرب با تصور بسیاری از اعراب از این کشور به عنوان «پروس جهان عرب» همخوانی داشت

(الخفاجی، ۱۳۷۸: ۶۳). ادعای رهبری جهان عرب از سوی صدام حسین به نوعی برآیند این تصاویر و برداشتها بود (پور سعید، ۱۳۸۹: ۲۰۴). البته روانشناسان در مورد داعش معتقدند اینکه رفتارهای معنادار از آنان سر می‌زند، بیانگر این است که آنها گره‌های روانی حل نشده‌ای دارند که موجب شده در مسیر رسیدن به اهدافشان جزم‌اندیشی و خشونت‌ورزی را به مثابه یک روش بکار گیرند (عبدالملکی، ۱۳۹۴: ۱۲۵). بر این اساس در شرایط پس از اشغال گزاره "کم ارزش شدن معیارهای تلاش، برتری و کمال مرد عرب سنی عراقی" رخ داده است.

۶- فشار بر تعهد اهداف سازمانی

در سطح ۶ ارزش‌ها فشار بر تعهد به اهداف سازمانی است. این سطح متضمن تعهد به اهداف اجتماعات سازمان یافته است. در تجارت این سطح به معنای تعهد به کارآمدی است، در سیاست به معنای تعهد به وظایف و مأموریت‌های سیاسی دولت است. مسلم است که اهداف و ارزش‌های ارگان‌های دولت گذشته پس از فروپاشی نظام بعثی غیر معتبر خواهد بود، هرچند این ارزش‌ها از سال‌های گذشته نزد اکثر مردم عراق غیر ارزشی شده بودند اما کارمندان که معتقد به آنها بودند پس از فروپاشی، فشاری بر آنها وارد شده است. در این راستا پژوهشگران معتقد هستند که در هم شکستن ساخت اجتماعی کشورهای غیر غربی، با منافع تمامی کسانی که در سازمان‌ها و نهادهای مختلف آن کشورها به فعالیت مشغول‌اند و نیز با باور کسانی که با سنت دانستن این نهادها و رفتارهای اجتماعی به تقدس یا ثبات آنها معتقد هستند، درگیر خواهد شد (مریجی: ۱۳۸۶). در این راستا گزاره "غیر مشروع شدن ارزش‌ها و اهداف سازمانی و اداری در شرایط جدید" مورد انتظار بوده است.

۵- فشار بر اصول یکپارچگی ارزش‌ها

سطح ۵ ارزش‌ها، فشار بر اصول یکپارچگی ارزش‌ها است. ما در این سطح بسیاری از ایسم‌هایی را می‌بینیم که شکل دهنده اصول یکپارچگی نظم اجتماعی‌اند. مانند کاپیتالیسم، سوسیالیسم، فنودالیسم، و توتالیتریسم (اسملسر، ۱۳۸۱: ۹). این گزینه بسیار مشخص است؛ تمام ارزش‌های ایدئولوژیک بعث در پی فروپاشی نظام بعثی تحت فشار قرار گرفته و در نظام جدید غیر مشروع است و این برای معتقدان به آن بسیار گران تمام خواهد شد. به علاوه در

طول تاریخ عراق، اهل سنت و شیعیان این کشور در مفهوم ملی‌گرایی به شکل امروزی اختلاف داشتند. در حالی که اهل سنت بر ناسیونالیسم عربی تأکید داشتند، شیعیان بر ملی‌گرایی تأکید کردند (محرمی، ۱۳۹۴: ۱۱۴). در این راستا بود که پس از اشغال، موضع‌گیری ساکنان فلوجه علیه آمریکا نمادی از گرایش ملی‌گرایی ضد آمریکایی در سراسر جهان عرب - تعبیر شد - در این میان، هم کردها و هم شیعیان به صورت عاملی در دست ایران بوده‌اند (بشری، ۱۳۸۳: ۱۲۷). در این راستا گزاره "غیر مشروع شدن ارزش‌های بعثیسم" صادق است.

۴- فشار بر مجموعه تعهدات فردی

آنچه که در این سطح مورد چالش قرار می‌گیرد سازوکار ارزش‌گذاری در روند موفقیت است، اینکه فرد در زمینه‌های شخصی به چه مواردی متعهد است تا به اهداف خود برسد. در مورد جامعه عراق همانگونه که در شرایط مساعد ساختاری بحث شد تعهد به خود، قبیله، طایفه و قومیت بر منافع ملی ارجح بوده است، حال در شرایط جدید گفته می‌شود که باید از فرایند تعهد قبلی گذر کرد و این متناقض با فرهنگ این جامعه است. این ارزش‌ها گرچه تحت فشار قرار گرفت اما با نبود جامعه‌ای منسجم و دولتی پایدار، به صورت جدی بازگشت. با سقوط رژیم بعث، این گرایش‌ها با سازماندهی و نیروی فراوان ظهور کرد و کارشناسان که فکر می‌کردند رژیم سیاسی توانسته است آن گرایش‌ها را کم و ضعیف کند، ناگهان دیدند آن گرایش‌ها با ثبات‌تر و ریشه دارتر از رژیم‌ها و نهادهای رژیم بوده‌اند و هستند و بر احساسات اکثر مردم مستولی‌اند و سیطره دارند. آن‌گاه دیده شد که عراق پس از اشغال به همان وابستگی‌های نژادی اولیه و همان گرایش‌های طایفه‌ای و مذهبی بازگشته و این احساسات در غیاب فرهنگ جامعه مدنی بر جامعه داخلی عراق مستولی شده است (الزبیدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۶۹). بنابراین گزینه "مورد چالش قرار گرفتن فرایند ارزش‌گذاری در موفقیت شخصی، قومی و طایفه‌ای به مانند گذشته" در این سطح قرار می‌گیرد.

۳- فشار بر نظام پاداش‌ها

در این سطح از ارزش‌ها نظام ارزشی توزیع قدرت و پاداش پیشین، فروپاشیده و غیر مشروع می‌شود. برای مثال آمریکایی‌ها قبل از فروپاشی دولت صدام و بلافاصله پس از آن اشغالگران

در مورد نحوه چیدمان قدرت تصمیم گرفته بودند و در این رابطه عراقی‌ها هیچ نقشی در تصمیم‌گیری‌ها نداشتند. تنها امضاء بر ممر برای اعمال قانون جدید یا فسخ قوانین قبلی کافی بود. او نیازی به مشورت با عراقی‌ها یا حتی کسب رضایت آنها نداشت. [او معتقد بود] «تا زمانی که اینجا هستیم، قدرت اشغالگری داریم. البته این عبارت خوشایندی نیست اما واقعیت همین است» (چاندراسکاران، ۱۳۸۹: ۷۹). بر این اساس "غیر مشروع شدن تعهد به نظام توزیع قدرت و پاداش پیشین و تدوین ترتیبات جدید" رخ داده است.

۲- فشار بر ارزش‌های نهادی شده

در سطح دوم از ارزش‌ها، فشار در سطح بخش‌های نهادی مانند دولت پرداخته می‌شود؛ اگر در دوره پیشین تعهد به ارزش‌های دولت عربی - قومی الزام‌آور بوده است در شرایط کنونی فشار در راستای تعهد به ارزش‌های دموکراتیک و حق سهم داشتن سایر اقوام در قدرت است که این موضوع برای بخشی از جامعه دردناک است. از نظر اهل سنت عراق، آمریکا شیعیان را بر آنها ترجیح داده است. این برداشت از دید مردم و دولت‌های منطقه پنهان باقی نماند (ثقفی عامری، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

معنای این مسأله این است که عراق مال کردها و شیعیان شده است که البته در این گزاره نقش به‌سزای دولت‌های محافظه‌کار عرب نهفته است. این نتیجه‌گیری، اهل سنت عرب را به ناسازگاری و نپذیرفتن نتایج رأی‌شماری دموکراتیک می‌کشاند و آنان را به سمت و سویی می‌برد که نگذارند روند سیاسی پارلمانی پخته‌ای در کشور جا بیفتد و دولتی بر اساس معیارهای دموکراتیک و با توجه به نتایج انتخابات بر سر کار آید. لذا به سراغ تلاش در دو محور می‌روند: یکی، مخالفت با روند دموکراسی که این وضعیت (از نظر آنها) ناعادلانه را به وجود آورده است و دیگری، تلاش برای بهره‌برداری از اختلافات به منظور افزودن بر دستاوردها و بیشتر کردن سهم خویش از قدرت در کشور (الزبیدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۹۲). در این راستا "متعهد شدن به ارزش‌های حکومت دموکراتیک و سهم شدن سایر اقوام در قدرت" متناظر با این سطح است.

۱- فشار بر ارزش‌های جامعه

مهم‌ترین سطح در میان تمام سطوح قانون‌های فشار بر اجزاء کنش جمعی همین مؤلفه است که

فشار در راستای تغییر ارزش‌ها و پذیرش ارزش‌های جدید در سطح جامعه است. بر این اساس است که جامعه هدف دچار مقاومت در برابر این پذیرش خوگرفته و وابسته به معنای زندگی او شده و به رفتارهای جمعی ارزش محور، دست خواهد زد. در این راستا در عراق با تغییر دولت بعثی نه تنها فقط این تشکیلات رو به زوال رفت، بلکه توجیه حکومت انحصاری چندین دهه‌ای اعراب اهل سنت نیز مورد چالش قرار گرفت و زایل شد. از طرفی دیگر این موضوع با توجه به شرایط مساعد ساختاری در سطح سیاسی باقی نماند بلکه بر کشاکش‌های مذهبی و قومیتی تلاقی یافت و متناظر شد، به نحوی که رقابت سیاسی به همان ستیزه‌های مذهبی تعبیر شد. در این راستا چند احساس قریب، با هم رخ داد که با تلاش سودجویان منطقه‌ای و جهانی پی‌درپی تشدید گردید:

۱- احساس سرخوردگی اعراب سنی و نیز احساس کنار گذاشته شدن آنها از سوی شیعیان تشدید شده و اعتقاد به توطئه مشترک واشنگتن، تل‌آویو و شیعیان علیه سنی‌ها افزایش یابد. نتیجه طبیعی این امر افزایش خشونت‌ها در مناطق سنی نشین عراق و به تبع آن افزایش ناامنی در این مناطق است. ۲- در کنار قدرت گرفتن شیعیان، تمایل سنی‌ها برای وارد کردن عربستان و حتی کشورهای ثروتمند حاشیه خلیج فارس در معادلات داخلی عراق افزایش یافته و موجب پیچیده‌تر شدن اوضاع داخلی و برقراری امنیت خواهد شد. ۳- ظهور یک حکومت شیعی در عراق، هژمونی سنتی اعراب سنی بر نظام منطقه‌ای عربی را به جد با چالش مواجه خواهد کرد و باعث می‌شود فرهنگ سیاسی اعراب معادل فرهنگ سیاسی سنی‌ها نباشد (قهرمان پور، ۱۳۸۳: ۱۶).

به طور کلی می‌توان مدعی شد که اشغال عراق روند کشمکش بین اقلیت عراق را وارد چارچوب جدیدی کرد و آنان را به عرصه نزاع بر سر قدرت و ایده حاکم و محکوم و غالب و مغلوب کشاند (الزبیدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۸۰). بنابراین در این سطح "باز تعریف هویت عراق جدید و تحت الشعاع قرار گرفتن یکتا بودن ارزش‌های پیشین" صادق خواهد بود. در ادامه موارد پیش گفته از موضوعات جدی در مورد شکل‌گیری جریان‌های سلفی - تکفیری گری در عراق ورود جریان‌های تحت فشار منطقه‌ای به عراق بوده است. فشار ساختاری در سطح منطقه در هنگامه حمله آمریکا به عراق و اشغال آن در سه زمینه قابل تحلیل است؛ زمینه اول فشار ساختاری بر تمامی مسلمانان جهان و منطقه است که یکی از کشورهای اسلامی به اشغال

دولتی غیر مسلمان در خواهد آمد و قطعاً واکنش‌های زیادی را در پی خواهد داشت. که بخشی از گروه‌های جهادی در واکنش به این فشار به عراق گسیل شدند. بخش دوم فشار بر بخشی از اعرابی است که به آرمان‌های پان عربی و موقعیت عراق در این زمینه اعتقاد راسخ داشته‌اند و لذا در شرایط جدید تحت فشار قرار گرفتند. بخش سوم که اهمیت زیادی دارد دولت‌های عربی منطقه هستند که اشغال عراق را نه تنها از جهات ژئوپلیتیک و سیاسی به ضرر جهان عرب می‌دیدند بلکه آن را در سپهر جغرافیای فرهنگی و مذهبی و حتی نژادی تحلیل کرده و خود را تحت فشار سنگین و موجودیتی یافتند. بر این اساس پس از قیام شیعیان عراق علیه صدام پس از حمله آمریکا نگرانی‌های خاصی به وجود آمد؛ صفر الحوالی - یکی از علمای وهابی عربستان سعودی - در سال ۱۹۹۱ م. و پس از قیام شیعیان جنوب عراق، نسبت به شکل‌گیری یک «قوس رافضی» (شامل شیعیان افغانستان، پاکستان، ایران، عراق، علوی‌های ترکیه و سوریه، و شیعیان لبنان) که منظور همان شیعی است، هشدار داده بود (Sefr al-Ha-wali, 1991). در واقع نگرانی وهابی‌های عربستان از تشیع، مسئله‌ای عقیدتی است و معتقدند نیروی شیعه می‌تواند بر شیعیان خلیج فارس به ویژه شیعیان عربستان نفوذ کرده و در نتیجه، شیعه‌گری موجب تهدید موقعیت اهل سنت گردد (Yamani, 2008, 151). البته، این مسئله عمدتاً جنبه عقیدتی و مذهبی داشت و جنبه سیاسی و ژئوپلیتیک آن پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ م مطرح گردید.

ادراک فشار موجب شد که دولت‌های عربی منطقه نسبت به حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ م موضع محافظه کارانه‌ای داشته باشند. از سوی دیگر، اعلام طرح خاورمیانه بزرگ و اعلام سیاست گسترش مردم‌سالاری در خاورمیانه، موجب چالش جدی کشورهای عربی که عمدتاً دارای رژیم‌های اقتدارگرا هستند، گردید (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۷۹). دولت‌های عربی برای رد طرح آمریکا به بهانه‌هایی متوسل شده‌اند که از جمله؛ وارداتی بودن طرح، نامعلوم بودن تبعات آن، خصلت‌های بومی منطقه، اولویت ندادن به حل منازعه فلسطین - اسرائیل و عدم توجه به ارزش‌های اسلامی؛ اما به رغم مخالفت‌های صریح و ضمنی با طرح آمریکا، دولت‌های عرب نیک می‌دانند که قدرت زیادی برای چالش با آمریکا را ندارند (Israeli: 2004). روی هم رفته مجموع این فشارها و شکست‌ها برای برخی از اعراب منجر به این شد که، مقابله با نفوذ ایران در صدر سیاست خارجی کشورهای عربی قرار گرفت و این مقوله را بهانه‌ای برای افزایش دشمنی‌ها و جنگ افروزی‌ها در منطقه معرفی کنند. در جامعه اینچنینی که فشارهای ساختاری تا

عالی‌ترین سطوح کنش جمعی رسیده باشد، آنگاه فضا برای فعال شدن عقاید معطوف به ارزش که به تفسیر این نوع از فشارها می‌پردازند، آماده خواهد بود. در جامعه عراق پس از اشغال این روند به صورت مشخص قابل مشاهده است. در واقع پس از بالا رفتن تنش‌ها، انتقام‌گیری‌ها و مشاجرات خونین این گروه‌های تکفیری به مانند داعش هستند که ایدئولوژی خاص خود در راستای تشکیل خلافت سنی را مطرح کرده و جامعه مخاطب را که منتظر دریافت راه چاره‌ای آرمانی است را به سمت خود جلب می‌کنند. جدول ۳-۱ گزاره‌های بدست آمده در نتیجه فشار ساختاری را در کنار مؤلفه‌های سطوح جزئیت کنش جمعی در جامعه پیش از اشغال عراق را نشان می‌دهد.

جدول ۳-۱: جدول ترکیبی- تکمیلی سطوح جزئیت کنش جمعی اعراب اهل سنت در عراق قبل از اشغال و کانون‌های فشار ساختاری فشار ساختاری در پی اشغال نظامی عراق توسط آمریکا و سقوط صدام

سطح	ارزش‌ها	هنجارها	بسیج انگیزه برای کنش سازمان یافته	امکانات موقعیتی
۱ نظریه کنش قبل از اشغال فشار پس از اشغال	ارزش‌ها در سطح جامعه تعهد به اسلام با قرانت سنی، تعهد به تفاخر عربی عراقی باز تعریف هویت عراق جدید و تحت الشعاع قرار گرفتن یکتا بودن ارزش‌های پیشین	همنوایی کلی همنوایی کلی با اهم فعالیت‌های اعراب اهل سنت تحت الشعاع قرار گرفتن مشروعیت یگانه بودن هنجارهای اعراب اهل سنت	انگیزه اجتماعی شده شکل‌گیری شخصیت پایه عراقی محرومیت از شخصیت شکل گرفته پیشین	پیش فهم‌هایی در زمینه علیت دیدگاه محدود نظر و طایفه گرایانه ابهام در کارآمدی و مشروعیت دیدگاه‌های قبیله گرایانه و محدود نگر
۲ نظریه کنش قبل از اشغال فشار پس از اشغال	مشروعیت یافتن ارزش‌ها برای بخش‌های نهادی تعهد به دولت عربی سنی متعهد شدن به ارزش‌های حکومت دموکراتیک و سهیم شدن سایر اقوام در قدرت	خاص شدن هنجارها بر اساس بخش‌های نهادی قوانین، هنجارهای مرتبط با دولت عربی سنی مخدوش شدن قوانین و هنجارهای دولت عربی سنی	استعداد کلی ایفای نقش خشونت ورزی، جاه طلبی، تملق‌گویی، طایفه و قبیله پرستی محرومیت نسبی از ابزارهای پیشرفت پیشین	تدوین معلومات اخذ اصول رشد و ترقی در دولت و ارتش عراق ابهام در چگونگی اخذ اصول رشد و ترقی در دولت جدید

<p>تکولوژی یا خاص شدن معلومات در قالب موقعیت‌ها فوت و فن کارکردن در دولت و ارتش عراق ابهام در نحوه و چگونگی فوت و فن کارکردن در دولت جدید</p>	<p>استعداد آموخته شده آموزش و تعلیم محرومیت از تشکیلات آموزشی حزبی و ارتش</p>	<p>خاص شدن هنجارها با توجه ویژه به انواع نقش‌ها و سازمان‌ها قوانین و دستورالعمل‌های کلان مرتبط با استخدام، ترقی و توزیع پاداش‌ها در ارتش و حزب بعثی غیر مشروع شدن تمام قوانین مرتبط با حزب بعثی و ارتش عراق</p>	<p>مشروعیت یافتن پاداش‌ها تعهد به نظام رانت دولت قومی-بعثی غیر مشروع شدن نظام توزیع قدرت و پاداش پیشین و تدوین ترتیبات جدید</p>	<p>۳ نظریه کنش قبل از اشغال فشار پس از اشغال</p>
<p>کسب روت، قدرت یا وجهه برای فعلیت در آوردن سطح ۳ وابستگی نسبی و سببی به مقامات، انتساب به قبیله‌ای خاص، اثبات وفاداری حزبی ابهام در کارایی ابزارها و سرمايه‌های پیشین</p>	<p>انتقال به نقش پذیری بزرگسالانه وارد جهان مردانه عربی شدن در دستگاه حاکمیت محرومیت نسبی از ترقی شخصیتی و اجتماعی</p>	<p>خاص شدن مقتضیات برای رعایت فردی هنجارها تعریف اصول، چارچوب‌ها و محدودیت‌های کنش فردی در سازمان دولت بعثی و ارتش عراق غیر مشروع شدن بسیاری از دستورالعمل‌های اداری و دولتی سابق</p>	<p>مشروعیت یافتن تعهد فردی تعهد به موفقیت شخصی، قومی و طایفه‌ای مورد چالش قرار گرفتن فرایند ارزش گذاری در شخصی، قومی و طایفه‌ای به مانند گذشته</p>	<p>۴ نظریه کنش قبل از اشغال فشار پس از اشغال</p>
<p>اختصاص تکولوژی مؤثر به بخشی از جامعه تخصیص قدرت و وجهه اجتماعی به اعراب اهل سنت ابهام در داشتن قدرت و وجهه اجتماعی پیشین</p>	<p>اختصاص انگیزه به بخشی از جامعه انتخاب خط وابستگی به دستگاه دولت و ارتش بعثی محرومیت از وابستگی پیشین به دولت بعثی و ارتش</p>	<p>خاص شدن هنجارهای بخش‌های رقیب نهادی در نظر نگرفتن هنجارهای سایر اقوام و طوایف در حوزه‌های مختلف لحاظ کردن هنجارهای سایر اقوام و طوایف در عراق جدید</p>	<p>مشروعیت یافتن ارزشهای رقیب عدم تعهد به ارزش‌های سایر اقوام و طوایف فشار در راستای تعهد به ارزش‌های سایر اقوام و طوایف</p>	<p>۵ نظریه کنش قبل از اشغال فشار پس از اشغال</p>

اختصاص تکنولوژی مؤثر به نقش‌ها و سازمان‌ها اختصاص امکانات و سرمایه‌گذاری بروی حزب بعث و ارتش عراق ابهام در سرنوشت اختصاص امکانات	اختصاص انگیزه به سازمانی خاص شغلی را در دولت یا ارتش کسب نمودن محرومیت از مشاغل پیشین در دولت و ارتش	خاص شدن قواعد همکاری و هماهنگی در درون سازمان مدیریت و تدبیر امور دفاتر حزب بعث، ادارات دولتی و رده‌های ارتش عراق تحت تعقیب قرار گرفتن مدیران حزبی و بعثی‌های ارتش	مشروعیت یافتن ارزشها برای تحقق اهداف سازمانی تعهد به ایدئولوژی و مرام حزب بعث عراق غیر مشروع شدن ارزش‌ها و اهداف حزب و ارتش بعثی	۶ نظریه کنش قبل از اشغال فشار پس از اشغال
اختصاص امکانات در درون سازمان برای نیل به اهداف انضمامی اختصاص امکانات خاص به خویشان، وفاداران و مریدان صدام ابهام در اختصاص امکانات به اقوام و نزدیکان صدام	اختصاص انگیزه به نقش‌ها و وظایف درون سازمان انجام وظایف شغلی در دولت و ارتش محرومیت از پاداش‌های پیشین در ادارات و ارتش	خاص شدن برنامه‌ها و طرح‌ها برای تنظیم فعالیت طرح‌های اقدام، سیاست‌های اجرایی و نحوه عملکرد ادارات و نهادهای دولتی و ارتش غیر مشروع شدن سیاست‌های اجرایی و طرح‌های اقدام پیشین	مشروعیت یافتن ارزش‌ها برای تلاش و ورزیدن تعهد به عصیبت و توانایی مرد عرب عراقی کم ارزش شدن معیارهای تلاش، برتری و کمال مرد عرب سنی عراقی همانند گذشته	۷ نظریه کنش قبل از اشغال فشار پس از اشغال

۴- نتیجه‌گیری

در این پژوهش کنش جمعی عرب‌های اهل سنت عراقی به عنوان پایه بررسی جامعه در آستانه اشغال در نظر گرفته شد. اینکه به چه منظور جامعه هدف عرب‌های اهل سنت تعیین شد، بدین خاطر بود که تقریباً از زمان شکل‌گیری عراق فعلی تا پیش از اشغال و سقوط صدام این قشر بوده‌اند که بر دولت و مؤلفه‌های اصلی جامعه تسلط داشته‌اند و هرگونه تغییری بیش از همه بر روند زندگی آنان تأثیرگذار بوده است. مؤلفه شرایط مساعد ساختاری به نحوه ارتباط میان اجزاء جامعه و کنش‌های آن می‌پردازد. به طور کلی رفتار جمعی در جامعه‌ای که شرایط ساختاری حاکم بر کنش جمعی، به صورت معمول ناظر بر ارزش‌ها است، غالباً در صورت محیا بودن

سایر شرایط، معطوف بر ارزش خواهد بود. آنچه که طی بررسی بافت اجتماعی عراق بدست آمد این بود که شرایط ساختاری در این جامعه به نحوی است که مستعد پاسخ‌های ارزش محور است. این بدین معنا است که موضوعات و مسائل از سه سطح امکانات موقعیتی، بسیج انگیزه جهت کشش و هنجارها عبور کرده و به سطح ارزش‌ها، عالی‌ترین رکن کنش جمعی رسیده است. مطالب بالا این موضوع را بیان می‌دارد که چنانچه شرایط ساختاری حاکم بر جامعه عراقی در آستانه اشغال این کشور و پس از آن در حوزه ارزش‌ها قرار داشته است، آنگاه باید انتظار داشت که هر اتفاق و حادثه‌ای در عراق رخ می‌دهد با نگاه ارزشی و ایدئولوژیک تفسیر و معنا کرد. در واقع فشار شرط لازم برای بسیج به عنوان عامل جنبش معطوف به ارزش است، چه از مدت‌ها قبل وجود داشته و یا در همان زمان پدیدار شده باشد. مردم تحت فشار به سوی بازسازی نظم اجتماعی تحت عنوان یک عقیده تعمیم یافته بسیج می‌شوند. در این قست به این پرسش پاسخ دادیم که در پی اشغال عراق توسط امریکا چه مؤلفه‌هایی تحت تأثیر قرار گرفت که ما آن‌ها را فشار ساختاری و زیر بنای رفتار جمعی در این کشور تحت عنوان جریان‌های سلفی - تکفیری می‌دانیم؟ به عبارتی دیگر با اشغال‌گری ایالات متحده چه نوع از فشار ساختاری در عراق شروع گردید که در پی آن بر میزان، عمق و گستره ابهامات و تناقضات در جهتی خاص افزوده شد؟ بنابر آنچه که بدست آمد باید اذعان نمود فشار ساختاری در سطوح مختلف کنش جمعی در تمام تاریخ عراق وجود داشته است؛ به طوری که اقوام و طوایف مختلف تحت تأثیر آن قرار داشتند که مشهودترین آن فشار اعمال شده توسط دولت‌های مختلف عراقی تا سطح ارزش‌ها یعنی عالی‌ترین سطح کنش در جامعه بر شیعیان و کردها بود. این فشار ساختاری در دراز مدت موجب پدید آمدن سوء ظن‌های گسترده‌ای در میان اقوام عراقی گردید که پایه‌ای برای شرایط مساعد ساختاری بوده است. اما آنچه که دقیقاً به عنوان فشار ساختاری در نظر گرفته می‌شود مبنای تغییری مشهود و شوک برانگیز بر گروه خاصی از جامعه است و سقوط صدام این شوک را بر اعراب اهل سنت عراق و منطقه وارد نمود. به عبارتی دیگر همانگونه که در جدول سطوح جزئیات مؤلفه‌های کنش جمعی جامعه عراقی مشخص شد، این ارزش‌های غالب در هنگامه فشار تحت الشعاع قرار گرفته و ممکن است کاملاً خدشه‌دار شوند. بنابر این باید ابهامات، محرومیت‌ها، تضادها و عدم توافقی‌های جامعه عراقی به خصوص جامعه عرب‌های اهل سنت پس از سقوط صدام ۲۰۰۳ م را فشار ساختاری در نظر گرفت. از آنجایی که به طور کلی فشار

راجع به ضعیف شدن روابط میان بخش‌های یک نظام و متعاقب آن کارکرد منفی نظام است باید در نظر داشت فشار ساختاری حتی بر اهل سنت و بخش‌هایی از ارتش، بخصوص پس از جنگ تحمیلی علیه ایران و اشغال کویت توسط صدام نیز رخ داد، اما این موضوع در سطوح انضمامی و عملیاتی ناظر بر بسیج انگیزه و امکانات موقعیتی در تقسیم‌بندی جزئیت سطوح کنش جمعی رخ داد و به سطوح عالی ارزشی و هنجاری تعمیم نیافت. آنچه که قابل اهمیت است و مبنای کار فشار ساختاری در این پژوهش محسوب می‌شود، این است که در پی اشغال عراق و سقوط صدام نه تنها فشار ساختاری پیشین که توسط دولت بعثی بر سایر اقوام و طوایف اعمال می‌شد، بر افتاد؛ بلکه به خودی خود موجب ایجاد فشاری ساختاری جدید تا سطح ارزش‌ها بر جمعیت اهل سنت عراق بخصوص وابستگان و منتفعان از دولت بعثی عراق گردید، که این فشار پایه‌ای جهت گسیل به مرحله عقیده تعمیم یافته که پاسخی به فشار ساختاری است، محسوب می‌شود. پس از اینکه فشار ساختاری تا حد نهایت خود رسیده و ارزش‌های جامعه هدف را تحت تأثیر قرار می‌دهد متغیرهای بعدی همچون عقاید تعمیم یافته، حوادث تسریع کننده، بسیج مشارکت کنندگان جهت کنش و عملکرد کنترل اجتماعی دخیل خواهند بود و در صورت اثرگذاری هر کدام، رفتار جمعی به مثابه جنبش معطوف به ارزش، شکل خواهد گرفت که در این مقاله فرصت نیافتیم به سایر موضوعات بردازیم.

منابع

۱. اسدی، علی اکبر (۱۳۸۷)، عراق پس از صدام و بازیگران منطقه‌ای، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهش ۱۲.
۲. اسملسر، نیل (۱۳۸۱)، تئوری رفتار جمعی با مقدمه عماد افروغ، ترجمه: رضا دژاکام، تهران، نشر دواوین.
۳. بشری، اسماعیل (۱۳۸۳)، عراق در گذار، گرداب یا کاتالیزور، مجله مطالعات دفاعی و امنیتی، پاییز، شماره ۴۰، ۱۶۰-۱۱۷.
۴. پور سعید، فرزاد (۱۳۸۹)، برآورد استراتژیک عراق آینده، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، ش ماره اول، بهار، شماره مسلسل ۴۷، ۲۱۱-۱۷۶.
۵. ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۵)، عراق جدید تغییرات ژئوپلیتیک، فصلنامه راهبرد، بهار، شماره ۳۹، از ص ۱۱۵ تا ۱۳۱.
۶. چاندراسکاران، راجیو (۱۳۸۹)، طننگی شاهانه در شهر زمردی (داخل منطقه سبز بغداد)، ترجمه: فرزانه باغستانی و محمد یاسر فرحزادی، انتشارات روابت فتح، تهران.
۷. حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۸)، هلال شیعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا، مجله دانش سیاسی، بهار و تابستان، شماره ۹، ۱۹۲-۱۵۹.
۸. الخفاجی، عصام (۱۳۷۸)، جنگ و جامعه عراق در مسیر نظامی شدن، مجله گفتگو، بهار، شماره ۲۳، ۸۱-۶۴.
۹. الزبیدی، حسن لطیف؛ العبادی، نعمه محمد و السعدون، عاطف لافی (۱۳۹۳)، عراق در جستجوی آینده، ترجمه: علی شمس. تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
۱۰. عبدالملکی، سعید (۱۳۹۴)، تحلیل روانشناختی پدیده داعش با تاکید بر روانشناسی سیاسی، تهران: نشر علم.
۱۱. قهرمان پور، رحمن (۱۳۸۳)، پارادوکس‌های پیش روی آمریکا در عراق، مطالعات دفاعی و امنیتی، پاییز، شماره ۴۰، ۲۴-۱.
۱۲. محرمی، توحید (۱۳۹۴)، پیامدهای فرهنگی اشغال عراق، تهران: پژوهشگاه

فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۱۳. مریجی، شمس‌آل... (۱۳۸۶)، اشغال عراق و مسائل پس از آن، مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، پاییز و زمستان، شماره ۳۹ و ۴۰، ۵۲-۲۹.
۱۴. نجات، سیدعلی (۱۳۹۴)، کالبد شکافی داعش، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

منابع انگلیسی:

1. Chulov, Martin (2014), "How an arrest in Iraq revealed Isis`s \$2bn jihadist network" the Guardian (June 15, 2014). Available from: <https://www.theguardian.com/world/2014/jun/15/iraq-isis-arrest-jihadists-wealth-power>
2. Israeli, Raphael (2004), "the Iraq war" port land: Sussex Academic press.
3. Sefr al-Hawali (1991), Kissinger`s Promise and the American Aims in the Gulf, Riyadh: al-Saudia.
4. Yamani, Mai (2008), "The Two Faces of Saudi Arabia", Survival, 50, 1, 143-156.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پیرام اسلامی

پیشگیانہ انسانی و مطالعات فرہنگی
پہلے جہت انسانی